



انجمن علوم و فنون
مدیریت و دولتی ایران

Regulatory Impact Assessment as an Instrument for Debugging in Statesmanship: Understanding the Rationale, the Implementation Process and the Challenges Ahead

Hassan Danaeefard*

Professor, Public Administration Department, Faculty of Management and Economics,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

20/02/2024

Abstract:

All public policies in governance scale, strategies in public administration, routines and procedures in operations need regulations for implementation. Although the law, policy, circulars, government decrees, and instructions all have a regulatory aspect, but in the literature of the state, regulations refer to the regulatory measures that the government establish to implement the public policy. Evaluating the effectiveness of these regulators, whether applied in the public sector or for society is considered one of the important instruments of political and managerial decision-making in the political systems of different countries of the world. Regulatory impact assessment or regulatory effects analysis is a document that is compiled by the advisory groups of general policies in the government before the approval of a regulatory measure. Therefore, it can play an important role in debugging the past in the way the state works. The ultimate goal of this article is to understand what is, the importance and necessity of impact assessment, the stages of its implementation, and the challenges facing its implementation in the public sector of Iran.

Keywords: Regulatory Policy, Regulations, Governance, Regulatory Impact Assessment, Regulatory Analysis.

* Email: hdanaee@modares.ac.ir

اثرسنجی تنظیم‌گرها به عنوان ابزاری برای اشکال‌زدایی در فرایند کشور داری: فهم خرده‌مایه‌ها، فرایند اجرا و چالش‌های فرارو

حسن دانائی‌فرد*

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران.

۱۴۰۲/۱۲/۰۱

چکیده: همه خط‌مشی‌های عمومی در سطح حکمرانی، راهبردها در سطح اداره امور عمومی، روال و رویه‌ها در سطح عملیات برای اجرا، نیازمند تنظیم‌گرهایی (Regulations) هستند. اگرچه قانون، خط‌مشی، بخشنامه‌ها، احکام حکومتی، دستورالعمل‌ها همگی صبغه و ساخت تنظیم‌گری دارند ولی در ادبیات کشورداری، تنظیم‌گرها (در معنای Regulations) اشعار به اقدامات تنظیمی دارند که دولت‌ها و حکومت‌ها برای اجرای خط‌مشی عمومی اقامه می‌کنند. اثرسنجی این تنظیم‌گرها خواه برای اعمال در بخش دولتی، خواه برای جامعه، یکی از ابزارهای مهم تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی در نظام‌های سیاسی کشورهای مختلف جهان محسوب می‌شود. اثرسنجی تنظیمی یا تحلیل آثار تنظیمی سندی است که قبل از تصویب یک اقدام تنظیمی به وسیله مجموعه‌های مشاوره‌ای خط‌مشی‌های عمومی در حکومت و دولت تدوین می‌شود. بنابراین می‌تواند نقش مهمی در اشکال‌زدایی (Debugging) پیشینی در نحوه عمل کشورداری ایفا کند. فهم چیستی، اهمیت و ضرورت اثرسنجی، مراحل انجام آن و چالش‌های فراروی اجرای آن در بخش دولتی ایران هدف غایی این نوشتار است.

واژگان کلیدی: خط‌مشی تنظیمی، تنظیم‌گرها، کشورداری، اثرسنجی تنظیمی، تحلیل تنظیمی.

* رایانامه: hdanaee@modares.ac.ir

نوع مقاله: سخن سردبیر

DOI: 10.22034/jipas.2023.200347

شاپا چاپی: ۶۲۵۶-۲۶۷۶

شاپا الکترونیک: ۲۶۷۶-۶۰۶X



مقدمه

هر کنشی، هر گفتاری یا هر کرداری که از حکومت (به معنای State)، دولت (به معنای Government) و جامعه (به معنای Society) در معنای موسع آن (افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها، کارخانه‌ها، کسب‌وکارها و...) ساطع می‌شود باید با قوانین کشور (هم در معنای موسع و هم در معنای خاص خود) مطابقت داشته باشد یا قوانین کشور را نقض نکند. بر این اساس، به طور کلی حکومت و دولت‌ها هم برای انتظام بخشی به بخش‌های درونی خود و هم بخش‌های جامعه به ابزاری به نام قانون متوسل می‌شوند. اصلی‌ترین بن‌سازه قانونی هر کشور که همه بخش‌ها را در سطح حکومت و دولت و جامعه تنظیم می‌کند قانون اساسی (یا سایر قوانین در هر کشور) است. حکومت‌ها ذیل این قوانین مادر، کشور را از حیث سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیک و تعاملات بین‌المللی سامان می‌دهند، انتظام می‌بخشند. برای مثال، انتظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران (رهبری نظام، تفکیک قوا و...) مبتنی بر نص صریح قانون اساسی کشور است. بر این اساس، حکومت برای اداره خود و جامعه باید قانون اساسی را سرلوحه همه کنش‌های خود و جامعه قرار دهد. از آنجایی که قانون اساسی رئوس کلی جهت‌دهی کشور را نشان می‌دهد و از تفصیل انجام امور لازم برای تحقق اهداف مصرح در خود احتراز می‌کند، حکومت‌ها برای انجام اقدامات عملی جهت اداره خود و جامعه به ابزاری به نام خط‌مشی‌های عمومی (Public Policies) متوسل می‌شوند. به عبارت دیگر، ذیل یکصد و هفتاد و هفت اصل و چهارده فصل قانون اساسی کشور، حکومت و دولت ایران باید رفاه مادی و معنوی جامعه را ارتقا دهند. ابزار ارتقا در فضای کشورداری، حکومت‌داری و دولت‌داری همان خط‌مشی‌های عمومی هستند.

در یک تعریف ساده، خط‌مشی‌های عمومی به مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و اقدامات عملی دولت‌ها برای حل مسائل عمومی اشاره دارد (ببینید: Anderson, 1984: 3). این تعریف نشان می‌دهد که همه خط‌مشی‌ها، دو ساحت عملی و رویه‌ای (قانونی) دارند. به عبارت دیگر هر خط‌مشی در مقام عمل، که دولت‌ها در درون خود و جامعه اجرا می‌کنند (برای مثال خط‌مشی پرداخت یارانه‌ها، تولید سامانه‌های دفاعی، جذب نخبگان در دستگاه‌های اجرایی، صادرات کالاهای پتروشیمی و...) باید قانونی، مصوبه‌ای، بخشنامه‌ای، مقررهای آن‌ها را توجیه کند. به سخن دیگر، کیفیت ساحت عملی خط‌مشی در گرو کیفیت ساحت رویه‌ای آن نهفته است. پس هیچ فعلی نباید از دولت، حکومت و جامعه ساطع شود که قانون در معنای کلی، آن را تایید نکند. اگر با قانون مطابقت نداشته باشد، تخلف یا جرم محسوب می‌شود و مستوجب مجازات خواهد بود مگر آن که

قانونی (در انواع مختلف آن) برای آن وجود نداشته باشد. بر این اساس در ادبیات کشورداری واژه‌ای متداول شده است که از آن به عنوان Regulation یاد شده است، که به طور کلی به معنای نظم‌دهنده، تنظیم‌گر، انتظام‌بخش از آن یاد می‌شود ولی معادل «مقررات» متداول‌تر است. نویسنده واژه تنظیم‌گرها را مناسب‌تر می‌داند زیرا جامع‌تر است. به عبارت دیگر، همه کنش‌ها، اقدامات و حتی گفتارها در حکومت، دولت و جامعه به وسیله این تنظیم‌گرها جهت داده می‌شوند. اگرچه خطمشی‌های عمومی ذیل قوانین (Law) برای اجرا، نیازمند تنظیم‌گرهایی (Regulations) هستند (و این ادعا نشان می‌دهد که تنظیم‌گرها (در معنای Regulations) ابزار اجرای خطمشی‌ها هستند؛ یعنی بوروکراسی یا همان مدیریت اداره امور عمومی متولی تنظیم مقررات برای اجرای خطمشی‌ها هستند (Steunenberg, 1992)، ولی با اندکی تسامح می‌توان گفت قانون اساسی، قوانین مادر، خطمشی‌ها، رویه‌ها، احکام حکومتی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و... همگی از جنس تنظیم‌گرها (Regulations) هستند زیرا به درجاتی و در سطوحی خاص، رفتارها، گفتارها، اندیشه‌ها و در کل کنش‌های حکومت، دولت و جامعه را تنظیم می‌کنند، قالب می‌دهند، جهت می‌دهند، انتظام می‌بخشند، ولی صاحب‌نظران برای برقراری تمایز تحلیلی آنها را از هم منفک کرده و در یک نوع سلسله‌مراتب قرار داده‌اند (قانون اساسی-قوانین مادر-خطمشی‌های عمومی-تنظیم‌گرها)، در نتیجه تنظیم‌گرها ذیل خطمشی‌های عمومی قرار گرفته‌اند که از آن به عنوان مقررات در ایران یاد می‌شود. با این اوصاف، می‌توان گفت خطمشی‌های عمومی در حقیقت تنظیم‌گرهایی هستند که حکومت و دولت‌ها برای پرداختن به مسائل جامعه و دستیابی به اهداف جمعی آنها را وضع می‌کنند. این خطمشی‌ها در قلمروهای خطمشیی نظیر بهداشت، آموزش و پرورش، توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست، نوآوری و فناوری و... در همه کشورها برپا می‌شوند. در این راستا تنظیم‌گرها (اگر به صورت سلسله‌مراتبی تصور شوند) عنصر کلیدی فراز و فرود کیفیت خطمشی‌ها خواهند بود، زیرا قواعد، استانداردها و خطوط راهنمایی ایجاد می‌کنند که بر رفتارهای فردی و سازمانی در سراسر جامعه حاکم خواهند بود. برای مثال، ذیل خطمشی محیط‌زیست هر کشور، تنظیم‌گرها (شما بگویید مقررات)، محدودیت‌هایی برآلاینده‌های محیطی ناشی از فعالیت‌های شرکت‌ها و کارخانه‌ها اعمال می‌کنند و پایداری محیطی کشور را تضمین می‌کنند، در حالی که تنظیم‌گرهای مالی ضمن نظارت بر بخش بانکداری کشور از مشتریان، اعتبارات و سپرده‌گذاران حفاظت می‌کنند. با این اوصاف، به طور خلاصه، خطمشی‌های عمومی، همان تنظیم‌گرها، قوانین و برنامه‌هایی هستند که حکومت‌ها و دولت‌ها برای هم‌آوردی با چالش‌های عمومی جامعه و بهبود

رفاه شهروندان بر پا می‌دارند؛ که تجلی ارزش‌ها، اولویت‌ها و ایدئولوژی‌های یک جامعه هستند و نقش مهمی در شکل‌دهی به دورنمای اقتصادی، اجتماعی و ساختارهای حکمرانی کشورها دارند. اما، اگر همه این کنش‌های حکومت، دولت و جامعه را در ظرفی به نام تنظیم‌گرها (Regulations) قرار دهیم و به اهمیت و ضرورت آنها برای حیات و ممت جامعه اقرار کنیم، پرسش اصلی مورد نظر که باید در این نوشته به آن پاسخ داد این است که چگونه پیشاپیش و در حین اجرا، ریسک‌ها، مزایا و مضرات این تنظیم‌گرها را شناسایی، محاسبه و بررسی کنیم تا در عمل مزایای خالص ناشی از اجرای آن در جامعه پیشینه شود؟ اثرسنجی تنظیمی (Regulatory impact assessment) یا تحلیل اثر تنظیمی (Regulatory impact analysis) یکی از متداول‌ترین ابزارهایی است که در کشورهای دنیا از آمریکای شمالی گرفته تا اروپا و آفریقا و حتی آسیا توسط حکومت و دولت‌ها برای تحقق این هدف به کار گرفته می‌شود. هدف غایی این نوشته جلب توجه دولتمردان، خطمشی‌گذاران و مدیران دولتی ایران برای اهتمام ورزیدن به تبعات مثبت و منفی این تنظیم‌گرها در ایران است.

قانون، خطمشی عمومی، مقررات

قوانین (Laws) مبنای اقامه خطمشی‌های عمومی^۱ و صورت‌بندی‌کننده تنظیم‌گرها (مقررات^۲) محسوب می‌شوند. بر این اساس، خطمشی عمومی اهداف بلند مدت و کوتاه مدتی را دنبال می‌کند که قوانین در پی تحقق آنها هستند، در حالی که مقررات، قواعد تفصیلی لازم برای اجرای اثربخش خطمشی‌های عمومی را تمهید می‌کنند. به عبارت دیگر، مقررات ابزارهایی هستند که از طریق آنها خطمشی‌های عمومی اجرایی می‌شوند تا دستاوردهای مطلوب موردنظر نظیر پاسداری از منافع عمومی، تضمین ایمنی در همه ساحت‌های جامعه، ارتقای کردارهای اخلاقی و مواجهه با شکست‌های بازار محقق شوند. به سخنی دیگر، قانون، چارچوب حقوقی زیربنایی اقامه خطمشی‌ها هستند و مقررات برای راهبری رفتارها در جامعه ذیل خطمشی‌های عمومی اجرا می‌شوند. بر این اساس، رابطه بین قانون، خطمشی و مقررات برای ایجاد یک سیستم ساختارمندی

^۱ Public policies

^۲ Regulations

که راهنمای حکمرانی است، تضمین‌کننده انطباق رفتارها با قوانین، ارتقادهنده رفاه اجتماعی و ابزارهایی برای مواجهه و هم‌وردی با چالش‌های مختلف در جامعه است. براین اساس، تنظیم‌گرها یا مقررات (Regulations) قواعدی (Rules) هستند که وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های مستقل تحت نظارت سه قوه مجریه، مقننه، قضائیه، یا سازمان‌ها و نهادهای تحت نظارت رهبری یا نهادهای تنظیمی (مانند سازمان غذا و دارو، سازمان حفظ نباتات، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، سازمان ملی رقابت، سازمان ملی استاندارد، سازمان نظام پزشکی، کانون وکلا، اصناف و اتحادیه‌ها) برای اجرای قوانین مصوب شاخه قانون‌گذاری (مقننه) حکومت اختیار می‌شوند. گونه‌های مقرراتی^۱ بر نحوه عمل مقامات، کارکنان، مدیران، افراد یا سازمان‌ها و شرکت‌های مخاطب آنها اعمال می‌شود. این گونه‌های مقرراتی شامل مقررات فرعی^۲، تشریفات اداری^۳، احکام^۴، بخشنامه‌ها^۵، دستورات^۶ می‌شوند.

چیستی تحلیل اثر تنظیمی

تحلیل اثر تنظیمی رویکردی است جا افتاده، متداول و مفید برای گردآوری، سازمان‌دهی و تحلیل داده‌ها در مورد آثار بدیل‌های ابزارهای تنظیمی (برای مثال، خط‌مشی‌ها، مقررات، قواعد، دستورالعمل‌ها، فرامین و دستورات مقامات عالی) که تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد (ببینید: Carroll, 2010; Petak, 2015; Jonski, & Rogowski, 2023) را در فرایند کشورداری ارتقا می‌دهد. به عبارت دیگر، نوعی سنجش عینی و بدون سوگیری است که عنصر اساسی اقامه هر گونه ابزارهای تنظیمی است و آثار کمی و کیفی آنها را به بند سنجش در می‌آورد. بر این اساس، تحلیل اثر تنظیمی ضمن ارائه استلزامات قانونی، اهداف عمومی این ابزارهای تنظیمی، توزیع آثار و دیگر دغدغه‌ها مبنای اتخاذ تصمیم‌های خط‌مشی‌گذاران، تنظیم‌گران، قانون‌گذاران و... را شکل می‌دهد. بر این اساس، تحلیل اثر تنظیمی به جای جانبداری از یک رویکرد خاص به

^۱ Regulatory provisions

^۲ Subordinate legislation

^۳ Administrative formalities

^۴ Degrees

^۵ Circulars

^۶ Directives

کشور داری صرفاً آثار این ابزارهای تنظیمی را توصیف می‌کند. در واقع، هسته محوری تحلیل اثر تنظیمی، سنجش مزایا و هزینه‌های بدیل‌های تنظیمی (خط‌مشی‌ها، مقررات و...) در مقایسه با «نبود این ابزارهای تنظیمی» یا «انفعال حکومت» (Orbach, 2015; Smith, 2015; Tombs, 2015) است. مضافاً تحلیل اثر تنظیمی به عنوان یک سند پایه‌ای خط‌مشی‌گذاری عمومی، تحلیل‌های تکمیلی دیگری نیز در بر دارد که به استلزامات قانونی و اداری لازم برای امکان‌پذیری بدیل‌های تنظیمی پیشنهادی اشاره می‌کند، که در کشورهای مختلف ممکن است متفاوت باشد.^۱

اهمیت نقش تحلیل آثار تنظیمی

بی تردید اگر کشوری خواهان جامعه‌ای با نظم، اقتصادی به‌سامان، فرهنگی پایدار و تعاملات بین‌المللی بهره‌ور باشد رویکرد تنظیم‌گری حکومت (اقامه قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه، بخشنامه‌ها، احکام و دستورات مقامات عالی‌رتبه کشوری) هم در ساحت حکمرانی، هم در بعد مدیریتی و هم در حوزه عملیات کشور (دائمی‌فرد، ۱۳۹۹) برای حل مسائل و تحقق اهداف خط‌مشی‌های عمومی کشور امری اساسی، بنیادی و سرنوشت‌ساز است. بر این اساس، مجموعه ابزارهای تنظیمی حکومت و دولت باید طوری با دقت و وسواس طراحی شوند که آثار ناخواسته و انحراف‌زا نظیر تحمیل طاقت‌فرسای غیرضرور و آزاردهنده بر مخاطبان خود (افراد، سازمان‌ها، گروه‌ها، نهادها، شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و...) نداشته باشد، رقابت سالم اقتصادی، تعاملات زیربنای فرهنگی و اجتماعی و مبادلات حیاتی بین کشور و سایر کشورها و مجامع بین‌المللی را بر هم نزنند. از این رو، انتظار می‌رود از هر گونه ابزار تنظیمی دولت و حکومت، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آنها نوعی اثرسنجی یا تحلیل اثر (برآورد منافع و هزینه‌ها) انجام شود تا اطمینان حاصل شود که این ابزارهای تنظیمی بدون بر جای گذاشتن آثار مخرب و ناخواسته عظیم، اهداف مورد نظر خود را محقق می‌سازند. به عبارت دیگر، در مورد هر گونه تصمیم تنظیمی در کابینه دولت جمهوری اسلامی، در سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دو قوه دیگر باید نوعی اثرسنجی انجام شود تا خط‌مشی‌گذاران آثار بالقوه تصمیم‌های مهم خود را پیشاپیش (در مورد ابزارهای تنظیمی پیشنهادی)

^۱Regulatory Impact Assessments:

<https://www.productivity.nsw.gov.au/regulatory-policy/regulatory-impact-assessments>

برآورد کنند. یعنی ماهیت و گستره آثار اثرگذار بر جامعه (کسب و کارها، سازمان‌ها، نهادهای مردمی، افراد و گروه‌ها) را پیش‌بینی کنند، بشناسند و در صورت امکان از آنها احتراز کنند.

اهمیت اثرسنجی تنظیمی

اثرسنجی تنظیمی از آن جهت اهمیت دارد که نوعی رویکرد نظام‌مند برای ارزشیابی آثار منفی و مثبت مقررات موجود و پیشنهادهای، فراروی خط‌مشی‌گذاران قرار می‌دهد، تضمین می‌کند که اقدامات تنظیمی دولت و نهادها و سازمان‌های حکومت برای کارآمدتر شدن به صورت مستمر حک و اصلاح و اجرا می‌شوند. به عبارت دیگر، از آنجایی که تحلیل آثار تنظیمی به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا مزایا و هزینه‌های اقدامات تنظیمی حکومت، دولت و نهادها و سازمان وابسته به آنها را سنجیده؛ شقوق تنظیمی بدیل را مشخص ساخته و آثار تنظیمی را به سبک و سیاقی ساده و روشن کمی کنند تا متولیان خط‌مشی تنظیمی بتوانند آنها را رصد، پایش و ارزشیابی کنند از اهمیت وافری برخوردار هستند. مضافاً اثرسنجی تنظیمی باعث می‌شود دولت و حکومت و سازمان‌های تابعه قبل از اقامه اقدامات تنظیمی، اطلاعات لازم برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب را در اختیار داشته باشند تا کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی خط‌مشی‌های تنظیمی را ارتقا دهند و تضمین کنند که گزینه‌های تنظیمی بعد از ملاحظه دقیق تبعاتشان اتخاذ می‌شوند. همچنین، به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا یقین نسبی پیدا کنند که آیا مقررات مورد نظر دولت برای تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... ضروری هستند یا خیر؟ از این رو طرح و معماری مقررات و اقدامات تنظیمی دولت را در پرتو تحلیل هزینه-منفعت طوری راهنمایی می‌کند تا در زمان در نظر گرفتن آثار توزیعی و مزایا و هزینه‌ای کیفی، مزایای خالص بیشینه شود.

مزایا و هزینه‌های انجام تحلیل اثر تنظیمی

مهم‌ترین اهداف تحلیل اثر تنظیمی در فرایند کشورداری آن است که مشخص شود (۱) آیا ابزار تنظیمی (خط‌مشی‌ها، مقررات و ...) در شرایط فعلی ضروری و توجیه‌پذیر است یا خیر، (۲) کدامیک از بدیل‌های تنظیمی از حیث اقتصادی کارآمدترند و بیشترین اثر خالص برای جامعه را در بر دارند. بر این اساس، تحلیل اثر تنظیمی، ضمن تولید شواهد برای پشتیبانی از اتخاذ تصمیم‌گیری‌های

آگاهانه در فرآیند کشورداری و عرضه اسناد داده‌ای لازم، پیش فرض‌های عقبه هر بدیل و تحلیل - های آن برای شکل دهی نوعی مبنای خردمندانه برای قاعده‌گذاری را تمهید می‌کند. مزایای دیگری نظیر مزایای ذیل نیز در بر دارد:

- تشویق ملاحظه آثار هر کدام از بدیل‌های تنظیمی به صورت جامع و همه جانبه؛
 - عرضه اطلاعات سازنده در مورد دستاوردهای تنظیمی مهمی که می‌توان در قالب - های فیزیکی و رفتاری ابراز کرد؛
 - برآورد ارزش اقتصادی دستاوردهای هر کدام از بدیل‌های تنظیمی بر مبنای ترجیحات مخاطبان این بدیل‌ها؛
 - پیش‌بینی آثار جانبی بالقوه مثبت و منفی هر کدام از بدیل‌ها؛
 - ارائه اطلاعات مناسب در مورد آثار کمی ناپذیر و نامطمئن هر کدام از بدیل‌های تنظیمی؛
 - کمک به خطامشی‌گذاران و ذینفعان در واضح‌سازی عرصه‌های توافق و مخالفت در بدیل‌های تنظیمی؛ (برداشت از: Hahn & Hird, 1991; Hahn & Litan 2005).
- بی تردید انجام تحلیل اثر تنظیمی در ستادهای تخصصی رهبری نظام، سه قوه، وزارتخانه‌ها، سازمان و نهادهای حکومت و دولت کشور هزینه‌هایی در بر خواهد داشت. تخصیص نیروی انسانی مناسب و با کیفیت و وجوه و بودجه برای انجام این تحلیل‌ها و آماده کردن اسناد تحلیل اثر تنظیمی، چالش بزرگ تزریق این تحلیل در فرآیند کشورداری ما است. از این رو، ظرفیت‌سازی تولید این اسناد از حیث منابع انسانی، قانونی و مالی در فرایند کشورداری و نهادینه کردن این ابزار تحلیل هزینه‌هایی برای کشور در پی خواهد داشت. ولی این تحلیل در بسیاری از کشورهای جهان متداول شده است (برای نمونه ببینید: Kirkpatrick & Parker, 2004; Kirkpatrick, et al., 2004; Rodrigo, 2005).

چپستی مدیریت رعایت مقررات (خطامشی تنظیمی)

هر کشوری از جمله ایران برای اقامه قوانین، برپایی مقررات و قواعد، دارای سیستم تنظیمی خاص خود است و همین طور برای اجرای آنها نیز مجموعه‌ای از رویه‌ها در اختیار دارد. بر این

اساس، مدیریت خطمشی تنظیمی یا تبعیت از خطمشی تنظیمی اشاره به مجموعه‌ای از خطمشی‌ها، فرایندها، کنترل‌ها و ابزارهایی دارد که برای همراهی، تبعیت یا رعایت خطمشی‌ها، قوانین و استانداردهای ملی، وزارتخانه‌ای یا سازمانی به وسیله «حکومت، دولت، وزارتخانه، سازمان، یا شرکت‌ها» به کار گرفته می‌شود. مدیریت رعایت مقررات اشاره به تضمین تبعیت یا انطباق با هنجارهای تنظیمی و قانونی، سنجش آثار تنظیمی و برپایی راهبردهایی برای رصد اثربخش فرایند تنظیمی دارد (Jacobzone, et al., 2007; Jacobzone, et al., 2010). این فرایند مدیریت را می‌توان به دو طبقه مدیریت عملیاتی رعایت مقررات که بر وظایف روزمره تمرکز دارد و مدیریت راهبردی رعایت مقررات که با وظایف و برنامه‌ریزی بلندمدت تبعیت‌پذیری از مقررات سر و کار دارد تقسیم کرد. مدیریت رعایت مقررات در هر دو سطح، نقش مهمی در ارتقای کیفیت محصولات و خدمات در عرصه داروسازی، تجهیزات پزشکی، پژوهش‌های بالینی، محیط‌زیست، آموزش و پرورش، علم و فناوری و... ایفا می‌کند. به طور کلی، عناصر اصلی مدیریت رعایت خطمشی تنظیمی عبارتند از هماهنگی و پایش اثربخش بر اساس موعد زمانی، آگاهی نسبت به بهترین تجارب، برنامه‌ریزی صحیح و بهره‌برداری از نرم‌افزار مدیریت خطمشی تنظیمی.

توجیه انجام تحلیل آثار تنظیمی

اگرچه نویسنده مدعی است تمهید هر گونه ابزار تنظیمی در فرایند کشورداری مستلزم انجام سطحی از تحلیل آثار تنظیمی خواهد بود و گاهی اوقات اقامه یک مقرر، دستورالعمل، آیین‌نامه یا حتی صدور یک بخشنامه دستگامی ممکن است آثار موج‌گونه در بلند مدت ایجاد کند؛ برای مثال، مقرر انتقال پول به میزان روزانه ۲۰۰ میلیون تومان برای جلوگیری از پول‌شویی در نظام بانکداری کشور را در نظر بگیرید و آثار آن را در ذهن خود تصور کنید. حذف داشتن مقاله‌های علمی در مجلات بین‌المللی برای ارتقای آکادمیک در مراکز علمی کشور را در نظر بگیرید و در پرتو آن فقط لحظه‌ای به آینده «مرجعیت علمی» ایران در عرصه بین‌الملل توجه کنید. اگرچه برخی از افراد ممکن است ادعا کنند که مقاله تنها راه کسب مرجعیت علمی نیست، ولی بی‌تردید در عصر حاضر مرجع اصلی مراجعه افراد برای تولید علم در سراسر جهان مقاله‌های مجلات علمی است، به خصوص برای کشوری که مدعی است نوعی حکومت و فلسفه سیاسی متمایز دارد که می‌تواند

هدایت‌گر همه انسان‌ها در جهان باشد، بدون تولید علم در عرصه جهانی صرفاً خود می‌گوید و خود می‌نویسد. بنابراین، ظاهراً برخی ابزارهای تنظیمی چندان مهم تصور نمی‌شوند که مشمول تحلیل اثر تنظیمی شوند. از این رو، در برخی کشورها وقتی تحلیل اثر انجام می‌شود که ابزار تنظیمی مورد نظر منشأ تحمیل هزینه‌ها، فراهم کردن مزایا یا انتقال پول به ۱۰۰ میلیون یورو یا بیشتر در یک سال باشند، یا اقتصاد کشور، بخشی از اقتصاد، بهره‌وری ملی، رقابت، مشاغل، محیط، سلامت یا ایمنی مردم یا جوامع و دولت‌های ایالتی، محلی یا روستایی را تحت تأثیر قرار دهد (Clinton, 1993).

با این اوصاف، علاوه بر نگاه اقتصادی به ابزارهای تنظیمی، باید نگاه‌های دیگری نیز در توجیه انجام تحلیل آثار تنظیمی مد نظر قرار داد. باید اهمیت این ابزارها بر ساحت‌های مختلف جامعه را نیز مد نظر قرار داد. گاهی اوقات ابزارهای تنظیمی نوعی مداخله جدی ناسازگار با اقدامات برنامه‌ریزی شده یا تقبل شده از قبل تعیین شده به وسیله یک وزارتخانه یا سازمان دولتی ایجاد می‌کند. برای مثال، مصوبه تخصیص ندادن خوابگاه به دانشجویان خارجی را در نظر بگیرید که چگونه راهبرد بین‌المللی‌سازی یک دانشگاه در کشور را تخریب می‌کند؛ یا وقتی اثر بودجه‌ای مقرری‌ها، پژوهانه‌ها، تعرفه‌های کاربران یا برنامه‌های محلی یا حقوق و تعهدات دریافت‌کنندگان را از حیث مادی تغییر و دگرگون می‌کند. برای مثال، در بخش منابع بودجه‌ای مندرج در قانون بودجه کشور، دریافت تعرفه‌هایی به عنوان بخشی از بودجه در نظر گرفته شده است ولی مصوبه جدید یا ابزارهای تنظیمی دیگر ممکن است اثر بودجه‌ای این مآخذ درآمدی را به شدت تغییر دهد، یا وقتی ابزارهای تنظیمی جدیدی، موضوعات بحث‌انگیز قانونی یا خط مشیی ایجاد می‌کند که در قوانین مادر وجود ندارد یا در اولویت‌های دولت حاکم نیست (برای مثال، ابزار تنظیمی جدیدی برای کنترل فضای مجازی تمهید شود که نیازمند مصوبه‌های جدید مجلس یا قوه مقننه است).

بنابراین، به طور کلی باید «مهم بودن» و «معنادار بودن» ابزارهای تنظیمی برای تحت تأثیر قرار دادن ساحت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تعاملات بین‌المللی برای متولیان مشخص شود تا مشمول تحلیل آثار تنظیمی شوند.

تحلیل اثر تنظیمی و خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد

تزریق سیستم تحلیل اثر تنظیمی درون فرایند خطامشی‌گذاری عمومی ابتکار عمل مهمی برای بهبود کیفیت خطامشی‌گذاری و وضع تنظیم‌گرها هم در سطح رهبری کشور و هم در سطح دولت (سه قوه) خواهد بود. استقرار واحد اثرسنجی تنظیمی خطامشی‌های کلان رهبری نظام در دفتر رهبری و همین‌طور استقرار واحد مشابه در کابینه کشور می‌تواند نقش مهمی در پشتیبانی از وزارتخانه‌ها در استقرار این واحد در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان و نهادهای ذیل نظر سه قوه محسوب شود، طوری که محصولات عرضه شده وزرا به کابینه کیفیت تنظیمی لازم را دارا باشد. بر این اساس، می‌توان اثرسنجی تنظیمی را در فرایند خطامشی‌گذاری عمومی تزریق و ساخت شاهدمحوری آن را ارتقا داد.

از این رو، تزریق سنجش آثار تنظیمی می‌تواند به تولید خطامشی‌های عمومی بهتری منجر شود (Carroll, 2010)، زیرا با عرضه شواهد، کیفیت تنظیم‌گرهای جدید یا اصلاح شده را بهبود می‌دهد. بر این اساس، همه نهادهای خطامشی‌گذار مکلف هستند تنظیم‌گرهای پیشنهادی یا جدید خود را بر شواهد محکمی استوار سازند، اگرچه محدودیت‌هایی بر تزریق اثرسنجی تنظیمی در فرایند خطامشی‌گذاری مبتنی بر شواهد وجود دارد (Carroll, 2010).

مراحل انجام اثرسنجی تنظیمی

اثرسنجی تنظیمی یا تحلیل اثر تنظیمی فرایندی است برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع یک پیشنهادیه مقرراتی که نقش مهمی در فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها در این زمینه ایفا می‌کند. نوعی ارزشیابی نظام‌مند از آثار، هزینه‌ها و مزایای بالقوه مقررات پیشنهادی است که به خطامشی‌گذاران کمک می‌کند تا تبعات تصمیم‌های خود را «شاهدمحور» ارزیابی کنند. بر این اساس، تحلیل اثر تنظیمی نوعی تحلیل نظام‌مند، ساختارمند و شاهدمحور از آثار آتی اقدامات دولت در قالب بدیل‌های خطامشی‌های عمومی است. برای نخستین بار در سال ۱۳۸۱ در امریکا وارد عرصه اجرایی شد. اکنون بیش از چهار دهه است که مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی و بانک جهانی قرار گرفته است و به صورت موفقیت‌آمیزی در تعدادی از کشورهای توسعه یافته و همین‌طور در حال توسعه اجرا شده است. پیش فرض اصلی حامیان تحلیل اثر تنظیمی آن است که کارایی، شفافیت و پاسخگویی اقدامات دولت را ارتقا می‌دهد. اما بی‌تردید

اجرای اثرسنجی تنظیمی در هر کشوری با چالش‌های روش‌شناسانه و رویه‌ای خاص آن کشور مواجه خواهد بود و برخی از کشورها در استقرار اثرسنجی تنظیمی در چرخه خطمشی‌گذاری عمومی کشور خود ناکام مانده‌اند.

با این حال، بخش اعظم تولید آثار کاربردی در زمینه تحلیل اثر تنظیمی یا اثرسنجی تنظیمی توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه منتشر شده است، از این رو، تعریف مختار این نوشته تعریفی است که این سازمان به شرح ذیل ارائه کرده است: «رویکردی نظام‌مند به سنجش نقادانه و موشکافانه آثار مثبت و منفی بدیل‌های مقرراتی و غیر مقرراتی پیشنهادی و موجود^۱».

بر این اساس، علی‌رغم تفاوت‌های موجود در «هدف غایی، دامنه و روش‌های» سیستم‌های تحلیل اثر تنظیمی در ادبیات موجود و کاربست‌های آن در دولت‌های مختلف کشورهای جهان همه اسناد این تحلیل دارای ساختار مشترک ذیل هستند (برای نمونه ببینید: Kirkpatrick, 2008; Nakaizumi, 2022; OECD, 1997; OECD, 2009; Śliwa, 2022). به عبارت دیگر، مراحل ذیل در تحلیل آثار تنظیمی در همه این آثار به چشم می‌خورد.

گام ۱: مسئله‌شناسی: چرا باید یک خطمشی تنظیمی یا مقررات عمومی اقامه شود؟ نظریه‌های مداخله دولت در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد: شکست بازار، شکست دولت، شکست ارزش‌های عمومی (Bozeman, 2002)، شکست تنظیمی (Haines, 2009)، اقامه اهداف جدید برای خطمشی‌های موجود می‌تواند خلأ تنظیم‌گری دولت‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان و نهادهای دولتی را نشان دهد. در هر کدام از این موارد جامعه و دولت با دشواری‌هایی مواجه هستند و تنظیم‌گری می‌تواند این موانع را برطرف کند. بنابراین، اولین گام در امر تحلیل اثر تنظیمی یافتن خلئی است که نیازمند تنظیم‌گری است.

گام ۲: شناسایی شقوق تنظیمی بدیل: در این گام دولت در مفهوم گسترده آن باید با مداخله تنظیمی آن خلأ را انتظام بخشد. خزانه دانشی تنظیم‌گری انواعی از روش‌های مختلف برای

^۱ برگرفته از www.oecd.org/regreform/regulatory-policy/ria.htm

اجرای این گام در اختیار خطمشی‌گذاران و تحلیل‌گران خطمشی عمومی قرار داده است. برای مثال، وضع مقررات از طریق اطلاعات، وضع مقررات در پرتو اصول، وضع مقررات با هم و... و

گام ۳: گردآوری داده‌ها: پس از شناسایی شقوق تنظیمی بدیل، طراحان مقررات به مدد انواعی از روش‌های تجربی نظیر مصاحبه‌های تلفنی، پرسش‌نامه، نظرسنجی‌ها یا مشاوره‌های برخط، همکاری بین مراکز ذیصلاح تنظیم‌گری (برای مثال، وزارتخانه‌ها، نهادهای حقوقی و...)، گروه‌های کانونی (داورگان)، روش‌های دلفی، روش‌های زمان‌سنجی به گردآوری اطلاعات در مورد کمیت و کیفیت این بدیل‌های تنظیمی می‌پردازند.

گام ۴: سنجش شقوق تنظیمی بدیل: این مرحله، مرحله محوری اثرسنجی تنظیمی است و طراحان مقررات می‌توانند انواعی از فنون ارزیابی بدیل‌ها یا راهکارها را به کار گیرند. تحلیل اثربخشی هزینه، تحلیل هزینه منفعت و تحلیل ریسک از جمله این فنون محسوب می‌شود. به هر حال بسته به داده‌های در دسترس و عمق اثرسنجی، سنجش می‌تواند کمی یا کیفی یا آمیخته‌ای از هر دو باشد.

گام ۵: تعیین خطمشی تنظیمی مرجع: در این مرحله، طراحان با مقایسه بدیل‌های تنظیمی منتخب بهترین بدیل را انتخاب می‌کنند. البته این گزینه منتخب لزوماً گزینه‌ای نیست که خطمشی‌گذاران حتماً باید آن را برگزینند، زیرا تحلیل اثرسنجی نقش پشتیبان خطمشی‌گذاران ایفا می‌کند نه جایگزین آن‌ها. اما تحلیل‌گران اثر تنظیمی مدعی هستند که خطمشی یا بدیل تنظیمی منتخب می‌تواند مناسب‌ترین باشد زیرا در معرض سنجش عمیقی قرار گرفته است.

گام ۶: طراحی تمهیدات و ارزشیابی بدیل تنظیمی منتخب: در این مرحله نحوه پایش خطمشی یا بدیل تنظیمی، افق زمانی و نشانگرهای ارزشیابی میزان موفقیت آن در سند اثرسنجی تنظیمی قید می‌شود.

شناسایی هزینه‌ها و منافع تنظیم گرها (مقررات)

همان‌طور که گفته شد هر بدیلی که به عنوان بدیل مرجح تنظیمی انتخاب می‌شود هزینه‌ها و منافی برای جامعه خواهد داشت. به عبارت دیگر، آثار تنظیمی را می‌توان به دو دسته آثار مستقیم

و غیر مستقیم تقسیم کرد. در آثار مستقیم، هم هزینه‌ها و هم منافع مستقیم وجود دارد و در آثار غیر مستقیم، هم هزینه‌ها و هم مزایای غیر مستقیم وجود دارد. فهم این هزینه‌ها و منافع بخش مهم سیستم اثرسنجی تنظیمی خواهد بود (ببینید: Hahn, 1998; Hahn, & Litan; 2005; Robinson & Nriagu, 2008). هزینه‌های مستقیم تنظیمی دو قسم هستند: هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های اجرا:

(۱) **هزینه‌های مستقیم:** در این طبقه به طور کلی هزینه‌های مقررات را می‌توان به سه

دسته هزینه‌های تبعیت‌پذیری، بار اداری و هزینه‌های در دسرها تقسیم کرد.

- **هزینه‌های تبعیت‌پذیری:** عبارتند از عوارض پرداختی از جانب مخاطبان مقررات، نظیر هزینه‌های پرداختی برای کسب مجوز، مالیات‌ها، تعرفه و عوارض مختلفی که مردم باید پرداخت کنند. هزینه‌های اساسی تبعیت‌پذیری که مشتمل بر انواع سرمایه‌گذاری‌ها و مخارجی است که کسب‌وکارها و شهروندان برای رعایت تعهدات اساسی یا استلزامات مندرج در یک قاعده حقوقی باید متقبل شوند (هر کسی که می‌خواهد یک دانشگاه غیرانتفاعی راه بیندازد باید برای مثال مترائ خاص زمین، اعضای هیات علمی، تجهیزات و غیره دارا باشد تا مجوزهای اولیه تأسیس این واحد آموزشی به وی داده شود).
- بار اداری که اشاره به هزینه‌هایی دارد که کسب‌وکارها، شهروندان، سازمان‌های جامعه مدنی و مراکز ذیصلاح عمومی در نتیجه فعالیت‌های اداری لازم برای تبعیت از تعهدات اطلاعاتی مندرج در قواعد حقوقی متحمل می‌شوند (برای مثال مصوبه سازمان ملی بهره‌وری برای استقرار چرخه بهره‌وری در سازمان‌های دولتی را در نظر بگیرید که بخش عظیمی از زمان و انرژی اداری صرف پر کردن فرم‌ها و پرسش‌نامه‌های مختلف می‌شود و بار اداری زیادی بر سازمان‌ها تحمیل می‌کند و هدف اصلی که بهره‌برداری است را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد).
- **هزینه‌های در دسرها:** اشاره به هزینه‌هایی دارد که کسب‌وکار (برای مثال، به دسرها بزرگ یک انبوه‌ساز مسکن در اخذ مجوزهای لازم از شهرداری

لحظه‌ای بیندیشید) و همین طور شهروندان (زمان مورد انتظار برای افتتاح حساب در بانک صادرات را در نظر بگیرید و همین طور تأخیرهای دیجیتال و بوروکراسی دیجیتال عجیب و دردسرزای بانک رسالت، همین طور فرم‌های اطلاعاتی مشابه در بانک دی برای دریافت وام ۲۰۰ میلیونی را در نظر بگیرید) متحمل می‌شوند. فساد ناشی از مقررات خاص نیز از جمله این هزینه‌ها است (درگاه ملی مجوزها بخش عظیمی از این هزینه‌ها را کاهش داده است ولی فسادهای احتمالی در اعطای تسهیلات بانک‌ها، مجوز صرافی‌ها، مجوز معادن، واردات کالاها و خدمات، بازرسی الکترونیک کالاها در گمرکات را در نظر بگیرید).

۲) هزینه‌های اجرا: این هزینه‌ها پس از انجام تحلیل اثر تنظیمی مدنظر قرار می‌گیرد که اشاره به هزینه‌های پایش، اجرا و اصلاح مقررات دارد. برای مثال، هزینه‌های حل اختلاف، دعاوی قضائی، استیناف، بازرسی‌های دولت را مدنظر قرار دهید. خطامشی پذیرش دانشجو بدون کنکور در دانشگاه‌ها را در نظر بگیرید. برای اجرای این خطامشی اصولی نوعی خطامشی تنظیمی (مجموعه‌ای از مقررات) نیز تدوین می‌شود. برگزاری جلسات مصاحبه، نحوه احتساب امتیازات، شکایات دانشجویان پذیرفته شده به دیوان عدالت اداری، بازرسی‌های سازمان بازرسی از دستگاه‌ها برای رعایت مقررات این خطامشی را در نظر بگیرید که چگونه می‌تواند هزینه‌هایی بر دوش دانشگاه‌ها تحمیل کند.

۳) مزایای مستقیم: خطامشی‌های تنظیمی دارای مزایای مستقیمی برای جامعه هستند که می‌توان به شرح ذیل از آنها یاد کرد:

- بهبود رفاه افراد که می‌تواند ناشی از تحول در شرایط اجتماعی و اقتصادی و همین طور بهبود در بهداشت، امنیت و شرایط محیطی باشد؛
- بهبود در کارایی که می‌تواند منشأ صرفه‌جویی در هزینه‌ها، بهبود در کیفیت محصولات و خدمات و بهره‌وری بیشتر شود.

علاوه بر آثار مستقیم (هزینه‌ها و منافع)، خط‌مشی‌های تنظیمی دارای آثار غیرمستقیم (هزینه‌ها و منافع) نیز هستند که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: (۱) هزینه‌ای غیرمستقیم، (۲) منافع غایی، (۳) منافع غیرمستقیم.

۱- هزینه‌های غیرمستقیم: به هزینه‌هایی اشاره دارد که در بازار رخ می‌دهد یا بر شهروندان و مصرف‌کنندگان، سازمان دولتی یا سایر ذینفعان آن مقررات بار می‌شود که ذیل قلمرو مستقیم مقررات منتخب طراحان مقررات نیستند. این هزینه‌ها معمولاً از طریق تغییرات در قیمت‌ها و یا قابلیت دسترسی و یا کیفیت کالاها یا خدمات تولید در بخش مخاطب مقررات انتقال داده می‌شود. هر نوع تغییرات در این قیمت‌ها آثار موج‌گونه در بقیه اقتصاد بر جای می‌گذارد؛ موجب کاهش یا افزایش قیمت‌ها در سایر بخش‌ها می‌شود و در نهایت رفاه مردم یا مخاطبان مقررات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه‌های تحمیلی ناشی از مقررات دولت بر صنایع (برای مثال سیمان) و آثار افزایش قیمت محصولات این صنایع در سایر بخش‌ها (برای مثال مسکن) را در نظر بگیرید. علاوه بر این، هزینه‌های غیرمستقیم به هزینه‌های موسوم به «هزینه‌های غیرمستقیم تبعیت‌پذیری» (برای مثال، هزینه‌هایی که ذینفعان دیگر باید برای همراهی و رعایت مقررات متحمل شوند) و هزینه‌های مرتبط به هزینه‌های جایگزینی بنگاه‌ها در اختیار کردن راهبردها، تجهیزات و ابزار متناسب با خط‌مشی تنظیمی دولت (برای مثال، اتکا به مآخذ جایگزین عرضه کالاها و خدمات)، هزینه‌های مبادله و آثار منفی بر نحوه کار و عمل بازار نظیر کاهش رقابت یا دسترسی به بازار یا کاهش نوآوری یا سرمایه‌گذاری اشاره دارد. برای مثال اگر اپراتور همراه اول برای تبعیت از یک خط‌مشی تنظیمی دولت (برای مثال، مجبور به تقویت زیرساخت‌های خود شود و هزینه‌های آن را بالا ببرد)، بی‌تردید آثار این افزایش قیمت بر روی قیمت محصولات کسب‌وکارهای دانش بنیان و کسب‌وکارهای دیجیتال تأثیر خواهد گذاشت و این همان هزینه غیر مستقیم تنظیمی محسوب می‌شود.

با این اوصاف، تحلیل آثار تنظیمی پیشینی مستلزم آگاهی همیشگی از کل هزینه‌های ناشی از اقامه یک مقررات است که عبارتند از:

هزینه‌های اجرا + هزینه‌های غیر مستقیم تنظیمی + هزینه‌های مستقیم تنظیمی

هر نوع سنجش که یک یا چند قلم از این هزینه‌ها را حذف کند، شرحی ناقص و ناصحی از هزینه‌های یک خطامشی تنظیمی را برای خطامشی‌گذاران فراهم خواهد کرد.

۲- آثار غایی خطامشی تنظیمی: این آثار با اهداف غایی مداخله تنظیمی همپوشانی دارد؛ یعنی حتی اگر هدف مستقیم برخی از مقررات تحقق این مزایا باشد (یعنی مزایای مندرج در بخش مزایای مستقیم تنظیمی)، هدف همه مقررات به صورت طبیعی تحقق ارتقای رفاه اجتماعی را نشانه می‌روند که در قالب کارآمدی، اثربخشی، عدالت‌گستری خود را نشان می‌دهد. این اهداف غایی عبارتند از: به‌زیستی، خوشبختی و رضایتمندی از زندگی، کیفیت محیط‌زیست و اهداف اقتصادی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال. این مزایا در حد فاصل آثار تنظیمی و اهداف تنظیمی قرار دارند.

۳- مزایای غیرمستقیم تنظیمی که عبارتند از:

- آثار جانبی مرتبط با تبعیت‌پذیری شخص ثالث از مقررات و قواعد قانونی (که مزایای غیر مستقیم تبعیت‌پذیری گفته می‌شود)؛
- مزایای گسترده اقتصادی در سطح کلان از جمله بهبود در تولید ناخالص داخلی، بهبود در بهره‌وری و نرخ اشتغال بالاتر؛
- دیگر مزایای غیر اقتصادی نظیر حفاظت از حقوق بنیادی، انسجام اجتماعی، ثبات ملی و بین‌المللی کشور.

دفاعیه‌ای از استقرار اثرسنجی تنظیمی در فرایند کشورداری ایران

ابزارهای تنظیمی یا تنظیم‌گرها (Regulations) به عنوان یکی از اهرم‌های قدرت حکومت‌ها، جزء لاینفک سبک و سیاق مناسب اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، سیاست و حقوق هر کشوری از جمله ایران است. به عبارت دیگر، تنظیم‌گرها خالق قواعد بازی برای شهروندان، کسب‌وکارها، جامعه مدنی، خطامشی‌گذاران، مدیران، کارکنان، حکومت و دولت و همه نهادها و سازمان‌های بخش دولتی، خصوصی و مردم نهاد هستند. بنابراین، ایران نیز مانند همه کشورهای جهان برای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌ها، عملکرد روان بازار و دولت، حمایت از حاکمیت قانون و در نهایت زندگی بهتر و نظم تعالی‌بخش، به تنظیم‌گرهای اثربخش نیاز دارد، زیرا محیط تنظیم‌گری بی‌کیفیت و ضعیف، رقابت‌گری در کسب‌وکار، در صنعت و تجارت، در علم و فناوری، در کارراهه‌های شغلی،

در عرصه‌های اجتماعی مخدوش ساخته و اعتماد شهروندان به دولت و حکومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فساد در کشور را در بخش دولتی، در بخش خصوصی و در میان آحاد جامعه تشویق می‌کند. بنابراین، اگر تنظیم‌گرها مبنای روان‌بودن و اثربخشی بازار، جامعه، حکومت و دولت، پاسدار حقوق و امنیت و ایمنی شهروندان و ضامن عرضه بهنگام و با کیفیت خدمات عمومی هستند باید به دقت و بر اساس اطلاعات مناسب اقامه، تدوین، بازنگری و اصلاح شوند. تحلیل اثر تنظیمی می‌تواند به عنوان نوعی چارچوب مرجح برای سبک و سنگین کردن، ارزش‌گذاری و انتخاب بدیل‌های تنظیمی مدنظر قرار گیرد، چارچوبی که در بسیاری از کشورهای اروپایی، امریکای شمالی و کشورهای آسیایی متداول شده است.

تحلیل اثر تنظیمی نوعی ابزار تصمیم‌گیری و فرایند تضمین کیفیت تنظیم‌گرها در فرایند کشورداری است که به خطامشی‌گذاران در همه سطوح حکمرانی، مدیریت عملیات امور جاریه کشور برای طراحی تنظیم‌گرها (خطامشی‌ها، راهبردها، رویه‌ها) کمک می‌کند شاهد محور و متناسب با اهداف مدنظر باشند. از این رو، به ارتقای صحت و اعتماد به سیستم وضع تنظیم‌گرها از طریق ایجاد شفافیت و پاسخگویی کمک می‌کنند.

بر این اساس، تحلیل اثر تنظیمی نوعی ابزار محوری برای تضمین کیفیت تنظیم‌گرهای جدید در پرتو نوعی فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد است. تحلیل اثر تنظیمی اگر با دقت و به خوبی در فرایند کشورداری تزریق شوند و مورد استفاده قرار گیرند می‌تواند با شفاف‌سازی موازنه هزینه‌ها و منافع در پیشنهادیه‌های تنظیمی، شناسایی مخاطبان توزیع آثار تنظیم‌گرها و تعیین اثر متقابل ریسک‌ها در سبک و سنگین کردن بدیل‌های تنظیمی به انسجام مجموعه خطامشی‌های تنظیمی کشور کمک کند. در نتیجه، تحلیل اثر تنظیمی، کاربست شواهد در خطامشی‌گذاری تنظیمی را بهبود داده و ریسک شکست یا ناکامی تنظیمی ناشی از توجیه‌ناپذیر بودن اقامه برخی از تنظیم‌گرها یا قصور در نادیده گرفتن برخی تنظیم‌گرها در برخی عرصه‌ها را کاهش می‌دهد (OECD, 2009).

چالش‌های کاربست اثرسنجی تنظیمی در فرایند کشورداری ایران

همان‌طور که تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد (برای مثال، Lohani, et al., 1997; Dunlop, et al., 2012; Karpen, 2016; Staronova, 2016; Kurniawan, et al., 2018).

سنجش اثر تنظیمی ابزاری برای بهبود کیفیت تنظیم‌گرهای عمومی (خطامشی‌ها، مقررات، آیین-نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، احکام و فرامین حکومتی و غیره) جدید یا اصلاحی محسوب می‌شود. بی‌اعتنایی به این ابزار کشورداری مهم می‌تواند منجر به اقامه، تدوین و بازآرایی تنظیم‌گرهایی شود که پاسخگویی، شفافیت یا انسجام درونی مجموعه این تنظیم‌گرها را مخدوش خواهند ساخت و همین‌طور دولت‌ها در یافتن خطامشی‌های تنظیمی که رفاه اقتصادی و اجتماعی کشور را رقم می‌زند ناکام خواهند ماند. از این رو، تحلیل آثار تنظیم‌گرها بر جامعه به ابزار مهمی در فرایند کشورداری کشورها تبدیل شده است. با این حال، کاربست این ابزار مهم تصمیم‌گیری در ایران ممکن است با چالش‌های مهمی مواجه شود که می‌توان آن‌ها را در سه دسته چالش‌های راهبردی، چالش‌های عرصه‌ای، چالش‌های فنی دسته‌بندی کرد.

در سطح راهبردی ملزم ساختن و متعهد ساختن رهبران سیاسی کشور در عرصه حکمرانی در فرایند کشور به پایبندی به تحلیل اثرسنجی تنظیم‌گرها به عنوان رهنمودی برای اقامه یک خطامشی عمومی، یکی از چالش‌های بزرگ خواهد بود زیرا سیاست‌زدگی فضای حکمرانی، خطامشی‌گذاری، تنظیم‌گری، استانداردهای اراده و تعهد واقعی رهبران سیاسی به اجرای تحلیل آثار تنظیم‌گرها بر جامعه را سست می‌کند. از طرف دیگر، نبود الزام قانونی مجلس، قوه قضائیه و مجریه به اجرای این تحلیل اثر در برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی بی‌توجهی به این ابزار را توجیه‌پذیر خواهد کرد. همین‌طور سست بودن الگوی ذهنی حسابگری و ریسک‌پژوهی رهبران سیاسی این بی‌توجهی به تحلیل اثرسنجی را تشدید خواهد کرد. به عبارت دیگر، سیاست‌زدگی ذهنیت کشورداری ممکن است مقاومت در برابر کاربست این ابزار تحلیلی را تشدید کند. بر این اساس، تزریق التزام خطامشی‌گذاران به استفاده از تحلیل اثرسنجی در اسناد بالادستی و تأکید رهبری نظام و رؤسای سه قوه می‌تواند آن را پر اهمیت سازد.

چالش‌های عرصه‌ای اشاره به ضعف بودن ظرفیت وزارتخانه‌ها، نهادها، سازمان‌ها در خصوص دانش تحلیل اثرسنجی دارد. جستجوی ساده‌ای در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی نشان می‌دهد که حتی روش آکادمیک آن چنان در کشور اشاعه پیدا نکرده است. اگرچه عرصه تنظیم‌گری در کشور در دهه اخیر مورد توجه دانشگاه‌ها و مراکز علمی متعددی قرار گرفته است؛ بر این اساس، به نظر می‌رسد کارشناسان در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی دانش چندانی در این خصوص ندارند. در واقع هنوز «خبرگی در تحلیل اثر تنظیمی» در دولت، مجلس و قوه قضائیه به بلوغ نرسیده، حتی

در برخی از آنها وجود ندارد. در نتیجه، رهبران، مدیران و خطامشی‌گذاران بخش دولتی قادر به کاربست آن در تصمیم‌گیری‌های تنظیمی نخواهند بود. از طرف دیگر، این تصور که اثرسنجی تنظیمی صرفاً در بخش اقتصادی صادق است کاربست آن در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و عرصه‌های مدنی را با دشواری مواجه می‌کند زیرا اثرسنجی تنظیمی را به عنوان یک ابزار عمومی معرفی نمی‌کند، بلکه صرفاً به بخش اقتصادی نسبت می‌دهد.

از بُعد فنی می‌توان به نبود دانش کافی در مورد اثرسنجی تنظیمی در فضای آکادمیک و همین‌طور در مراکز پژوهشی دولتی و حکومتی و ناشناخته بودن آن در میان کارشناسان و کارکنان حکومت و دولت، از طرف دیگر، تصور هزینه‌زا بودن کاربست این ابزار در سرتاسر نهاد حکومت و دولت آن را از محبوبیت کاربست می‌اندازد. هزینه‌بر بودن و زمان‌بر بودن کاربست این ابزار تحلیلی یکی دیگر از چالش‌های فنی فراروی آن محسوب می‌شود.

با این اوصاف، کاربست فراگیر این ابزار حیاتی در تصمیم‌گیری‌های حکمرانی، مدیریت و عملیات در فرآیند کشورداری ایران نیازمند عزم راسخ رهبری نظام، سیاستمداران و تزریق آن در اسناد بالادستی و ملزم ساختن متولیان کشورداری به استفاده از آن در تصمیم‌گیری‌های تنظیمی است. تنظیم‌گرها در هر نوع و حالتشان نقش مهمی در وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حال و آینده کشور خواهند داشت. بی‌توجهی به اثرسنجی اخلاقاً جایز نیست و تبعات سنگین این تنظیم‌گرها می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد. برگزاری کارگاه‌ها، همایش‌ها، دوره‌های آموزشی می‌تواند به متداول کردن این ابزار تحلیلی کمک کند. فرهنگ‌سازی کاربست این ابزار در دستگاه‌ها و سازمان‌ها نیز یاری‌دهنده خواهد بود.

با همه اوصاف از آنجایی که تجربه کشورها در آمریکای شمالی، اروپا، آفریقا و آسیا نشان می‌دهد، تحلیل اثر تنظیمی به عنوان یکی از ابزارهای مهم اتخاذ تصمیم‌ها در مورد خطامشی‌های عمومی، تنظیم‌گرها، قوانین و مقررات کاربست گسترده‌ای پیدا کرده است و انتظار می‌رود در حکومت و دولت کشور ما نیز چنین ابزاری مورد توجه و کاربرد قرار گیرد؛ اما به نظر می‌رسد در جا انداختن این ابزار تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی چالش‌هایی وجود دارد که باید با آنها هم‌وردی کرد. برخی از این چالش‌ها را می‌توان به شرح ذیل بحث کرد.

• تعهد و حمایت سیاسی خطامشی‌گذاران و مدیران عالی کشور: کسب

تعهد و حمایت سیاسی در عالی‌ترین سطوح حکومت و دولت کشور برای استفاده اثربخش و اختیار کردن تحلیل اثر تنظیمی به عنوان یک ابزار مدیریت تنظیمی

(تنظیم‌گرها) ضروری و لازم است؛ بدون چنین تعهد و حمایتی اجرای موفقیت‌آمیز آن با چالش جدی مواجه خواهد شد. کسب این تعهد و حمایت برای غلبه بر مقاومت‌ها در میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی و مدیریتی کشور، تخصیص منابع ضروری و نهادینه کردن این ابزار در فضای تصمیم‌گیری عمومی کشور به عنوان یک عمل استاندارد در فرایندهای تنظیمی و تصمیم‌گیری در نظام سیاسی و مدیریتی ایران امری اساسی است.

- **سیستم و چارچوب حکمرانی تحلیل اثر تنظیمی:** برای موفقیت در دستیابی به اهداف تحلیل اثر تنظیمی، این ابزار باید به طور کامل با ابزارهای مدیریت تنظیم‌گرها ترکیب و با بستر حقوقی-قانونی و اداری کشور گره داده شود.
- **ظرفیت و دانش تخصصی نهادی برای انجام تحلیل اثر تنظیمی:** اگرچه در قلمرو خطمشی محیط‌زیست و بهداشت در ایران تا حدی اثرسنجی تنظیمی انجام می‌شود ولی ظرفیت و دانش تخصصی مورد نیاز برای برقراری سیستم مدیریت اقدامات تنظیمی توسط دولت و حکومت یک چالش عمده محسوب می‌شود.
- **مشارکت مردم:** برای انجام اثرسنجی تنظیمی اثربخش مشارکت ذینفعان امری اساسی است. حضور مردم در فرایند انجام این تحلیل یکی از چالش‌های فراروی اثرسنجی تنظیمی است که متولیان تنظیم‌گرها در کشور باید با آن هم‌اوردی کنند.
- **زیرساخت‌های پژوهشی:** مواد لازم برای انجام اثرسنجی تنظیمی در عرصه-های خطمشی‌های عمومی داده‌ها و اطلاعات موثق مبتنی بر پژوهش‌های دقیق است که باید در همه نهادهای تنظیمی و وزارتخانه‌ها انجام شود. تأمین زیرساخت-های پژوهشی لازم و همین‌طور بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود پژوهش یکی دیگر از چالش‌های کاربست اثرسنجی تنظیمی در حکومت و دولت ایران است.
- **نیروی انسانی متخصص اثرسنجی تنظیمی:** اگرچه در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت دولتی و خطمشی عمومی در بخش دولتی تزریق شده‌اند ولی آشنایی تخصصی آنها با اثرسنجی تنظیمی چندان با سابقه

نیست؛ بنابراین، وجود نیروی انسانی متخصص در این عرصه یکی از چالش‌های مهم فراروی متولیان کاربست اثرسنجی تنظیمی خواهد بود، زیرا آگاهی و فهم مناسبی از آن در میان خطمشی‌گذاران وجود ندارد.

- **قابلیت‌های تحلیلی و داده‌ای:** انجام اثرسنجی تنظیمی استوار و پایا مستلزم دسترسی به داده‌های معتبر (در صورت وجود زیرساخت‌های پژوهشی) و ابزارهای تحلیلی برای کمی‌سازی آثار اقتصادی، سیاسی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی تنظیم‌گرها است. کشور ما به علت ضعف در دارا بودن یک سیستم جامع اطلاعاتی در عرصه کشورداری با چالش گردآوری داده‌های جامع و بکارگیری روش‌شناسی-های تحلیلی پیشرفته مواجه است.
 - **نظارت تنظیمی و کنترل کیفیت اثرسنجی تنظیمی:** انجام اثرسنجی تنظیمی اثربخش نیازمند سازوکارهای پایا و استواری برای پایش، ارزشیابی و بهبود مستمر فرآیند این اثرسنجی است. نبود مجموعه‌های نظارتی بر تنظیم‌گرهای حکومت و دولت و بررسی پسینی نظام‌مند کیفیت و اثر اثرسنجی تنظیمی یکی از چالش‌های کشور ما در بکارگیری این ابزار تصمیم‌گیری اساسی است.
 - **مقاومت در برابر تغییر در سبک‌های تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی ناشی از بکارگیری اثرسنجی تنظیمی:** بی‌تردید مقاومت سازمان و نهادهای حکومتی و دولتی به خاطر عادت به شیوه‌های تنظیمی سنتی، کسب حمایت و پشتیبانی از بکارگیری اثرسنجی تنظیمی در بخش دولتی، یکی از چالش‌های فراروی خطمشی‌گذاران خواهد بود.
- بنابراین، اگرچه انجام تحلیل آثار تنظیمی تنظیم‌گرها در برخی از بخش‌های دولت انجام می‌شود و به صورت ضمنی در همه وزارتخانه‌ها به نحوی انجام می‌شود ولی کاربست گسترده آن در همه سطوح حکومت و دولت با چالش‌های فوق‌الذکر مواجه است.

نتیجه‌گیری

در فرایند کشورداری مهم‌ترین ابزار انسجام میان حکمرانی، مدیریت و عملیات عبارتست از خطمشی‌ها، راهبردها و رویه‌ها که علاوه بر ساحت واقعی از نوعی خاصیت تنظیمی نیز برخوردارند. به عبارت دیگر، همان‌طور که صاحب‌نظران خطمشی عمومی را «مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و کنش‌های عملی دولت‌ها در حل مسائل عمومی کشور» تعریف کرده‌اند، خطمشی‌های عمومی دارای نوعی ساحت یا درجه تنظیم‌گری هستند. بر این اساس، قانون اساسی، قوانین مادر مصوب قوه مقننه، خطمشی‌های تقنینی، اجرایی و قضایی همگی در تنظیم رفتارهای بازیگران جامعه نقش ایفا می‌کنند. از این رو، می‌توان ادعا کرد که «وجود رژیم تنظیمی اثربخش» همیشه دغدغه اصلی خطمشی‌گذاران، سیاستمداران و همین‌طور پژوهشگران دولت و بخش دولتی بوده است؛ اما در عصر شکل‌گیری «حکومت تنظیمی» که حکومت‌ها و دولت به جای تصدی‌گری باید راهبری کنند، اهمیت «قوانین، مقررات و قواعد» خوب روز افزون شده است. از این رو، چنین قواعد تنظیمی که خاستگاه ارتقای رفاه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری هستند باید کارآمد و اثربخش باشند. اثربخشی مقررات یعنی دارای قابلیت تحقق اهداف برنامه‌ریزی شده و کارآمدی مقررات یعنی برخوردار از توانایی آن اهداف با حداقل هزینه‌های اداره دولت و هزینه‌های رعایت مقررات. بنابراین، ارزیابی نظام‌مند آثار مثبت و منفی هر گونه قواعد تنظیمی (خطمشی، قانون، مقررات، رویه‌ها و دستورالعمل‌ها) پیشنهادی یا واقعی فعالیت‌ی جالب و مفید در حکومت و دولت خواهد بود. ابزاری که در این راستا دولت‌ها و حکومت‌ها را یاری می‌دهد عبارت است از «اثرسنجی تنظیمی» یا مترادف آن، تحلیل اثر تنظیمی که هدف آن تبیین اهداف پیشنهادیه تنظیمی، ریسک‌های فراروی آن و شقوق تنظیمی برای رسیدن به آن اهداف است. این ارزیابی باید همه تبعات احتمالی اقتصادی، محیطی، اجتماعی و توزیعی یک اقدام تنظیمی را مدنظر قرار دهد و تحلیل جامعی از آثار آن قواعد تنظیمی را فراهم سازد. این ارزیابی‌ها باید در همه سطوح دولت و حکومت (در سطح حکمرانی، مدیریت و عملیات) به صورت مورد به مورد انجام شود و مشخص شود هر کدام از آنها تا چه حدی در تحقق اهداف راهبردی خطمشی‌های عمومی نقش ایفا می‌کنند.

با واکاوی و واریسی عالمانه آثار احتمالی ناشی از اقدامات برنامه‌ریزی شده دولت و ابلاغ این اطلاعات به تصمیم‌گیرندگان به طریقی که آنها بتوانند دامنه کاملی از آثار مثبت و منفی (مزایا و

هزینه‌ها) پیشنهادیه‌های تنظیمی خود را مدنظر قرار دهند می‌توان کارایی «مقررات» را ارتقا داد. در واقع، این اثرسنجی تنظیمی جنبه پیشینی (قبل از اجرای مقررات) دارد، اگرچه اثرسنجی تنظیمی می‌تواند جنبه پسینی (بعد از اجرای مقررات) به خود بگیرد. عملی که می‌تواند منجر به بازنگری در مقررات موجود و در نهایت بهبود عملکرد آنها یا حتی لغو آنها شود.

بنابراین، مقررات یکی از ابزارهای مهم دولت‌ها برای تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی دولت‌ها در پرتو قوانین مادر خطمشی - هایی وضع می‌کنند (برای مثال، خطمشی توانمندسازی زنان را در نظر بگیرید) باید رفتارهای مخاطبان خطمشی را برای رسیدن دولت به اهداف متصوره خود از آن خطمشی را تنظیم کند (برای مثال، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلف ناظر به ارتقای همه جانبه زنان در سازمان‌های دولتی را در نظر بگیرید). این ابزار تنظیم‌گری همان مقررات است. بر این اساس، دولت‌ها ابزارهای تنظیمی مختلفی (با توجه به قلمروهای خطمشی خود: محیطی، فناوری، کسب‌وکار و...) در اختیار دارند که با توجه به نیازهای پیچیده و متنوع شهروندان، جوامع مختلف مستقر در کشور و همین‌طور اقتصاد، فرهنگ، سیاست اقامه می‌شوند.

کیفیت مقررات که در محیط تنظیمی حاکم بر مسیر تحقق اهداف خطمشی‌ها و همین‌طور تبعات، نتایج و دستاوردهای تنظیمی (برای مثال، کاهش تخلفات در اعطای وام‌های خود اشتغالی در بانک‌های دولتی) بر کیفیت محتوا و فرایندهای طراحی مقررات استوار است. اما نکته مهم آن است که دولت‌ها در هنگام مداخله در امور جامعه چه در قالب خطمشی، قانون، مقررات، چه هر نوع دیگر قواعد تنظیمی همیشه تبعات احتمالی آنها را به صورت کامل مدنظر قرار نمی‌دهند. در صورتی که این گونه مداخله‌های دولت ممکن است در برخی از موارد هزینه‌های آن بر جامعه بیش از منافع حاصل آن باشد. به همین دلیل، می‌توان از تبعات یا آثار ناخواسته و در نهایت آثار منفی این مداخله‌ها بر شهروندان، کسب‌وکارها و جامعه به عنوان یک کلیت سخن گفت که ممکن است ریشه در طراحی نامناسب یا بد این مداخله‌ها داشته باشد. در هر حال، این نوع مداخله‌ها ممکن است برای رشد همه جانبه، توسعه پایدار کشور، ایجاد اعتماد میان مردم و دولت و همین‌طور حفظ سلامت حاکمیت قانون بر جامعه زمان‌بر باشند.

دانش پژوهان و پژوهشگران حوزه علوم و مطالعات خطامشی برای اطمینان از کیفیت این مداخله‌ها (به طور خاص در اینجا مقررات) راهبردها، ابزار و فنون متنوعی ابداع و عرضه کرده‌اند. یکی از این ابزارها «اثرسنجی تنظیمی» است که به خطامشی‌گذاران اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد تا در پرتو آن بتوانند برای تحقق اهداف خطامشی‌های عمومی دست به اتخاذ تصمیم مناسب بزنند که آیا دست به مقررات‌گذاری بزنند یا خیر؟ اگر تصمیم به مقررات‌گذاری است، چگونه؟ به عبارت دیگر، این ابزار به خطامشی‌گذاران، مدیران و کارشناسان کمک می‌کند تا از تصمیم عدم مداخله خود در ساحت‌های مختلف جامعه (برای مثال، بازار و...) مبنی بر اینکه هزینه‌های مداخله بیشتر از منافع آن است دفاع کنند، و برعکس، هر جایی که به این نتیجه رسیدند که منافع مقررات بیش از هزینه‌ها است نیز از تصمیم خود دفاع کنند. بر این اساس «اثرسنجی تنظیمی» نوعی رویکرد نظام‌مند به سنجش نقادانه و موشکافانه آثار مثبت و منفی بدیل‌های مقرراتی و غیر مقرراتی موجود و پیشنهادی است و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انجام اثرسنجی تنظیمی می‌تواند ظرفیت دولت‌ها برای اطمینان از این که در جهان در حال تغییر، مقررات کارآمد و اثربخش هستند را تقویت کند.

مآخذ

دانائی‌فرد، حسن. (۱۳۹۹). چارچوبی برای تحلیل کشورداری. مدیریت منابع سازمانی. سال ۹ شماره ۳، ۱۷۵-۱۸۷.

- Anderson, J. (1984), *Public policy-making: An introduction* (3rd edition). New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Bozeman, B. (2002). Public ~~the~~ failure: When efficient markets may not do. *Public Administration Review*, 62(2), 145-161.
- Carroll, P. (2010). Does regulatory impact assessment lead to better policy?. *Policy and Society*, 29(2), 113-122.
- Clinton, W.J. (1993). Executive order 12866: Regulatory planning and review." *Federal Register*. 58(190): 51735-51744. http://www.whitehouse.gov/omb/inforg_regmatters
- Dunlop, C. A., Maggetti, M., Radaelli, C. M., & Russel, D. (2012). The many uses of regulatory impact assessment: A meta analysis of EU and UK cases. *Regulation & Governance*, 6(1), 23-45.

- Hahn, R. W. (1998). Government analysis of the benefits and costs of regulation. *Available at SSRN 167048*.
- Hahn, Robert W. & John Hird .(1991). The Costs and Benefits of Regulation: Review and Synthesis, *Yale Journal on Regulation*, 8, pp. 233-278.
- Hahn, R. W., & Litan, R. E. (2005). Counting regulatory benefits and costs: lessons for the US and Europe. *Journal of International Economic Law*, 8(2), 473-508.
- Haines, F. (2009). Regulatory failures and regulatory solutions: A characteristic analysis of the aftermath of disaster. *Law & Social Inquiry*, 34(1), 31-60.
- Jacobzone, Stéphane, Faye Steiner, Erika L. Ponton, & Emmanuel Job (2010). Assessing the Impact of Regulatory Management Systems: Preliminary Statistical and Econometric Estimates, *OECD Working Papers on Public Governance*, No. 17, OECD Publishing, dx.doi:10.1787/5kmfq1pch36h-en.
- Jacobzone, S., C. Choi & C. Miguët (2007). Indicators of Regulatory Management Systems, *OECD Working Papers on Public Governance*, No. 4, OECD Publishing, available at <http://dx.doi.org/10.1787/112082475604>.
- Karpen, U. (2016). Current situation and prospects of regulatory impact assessment (RIA) in Germany, namely in parliament.
- Kirkpatrick, C. (2008). *Regulatory impact assessment: Towards better regulation?* Cheltenham: Edward Elgar.
- Kirkpatrick, C., & Parker, D. (2004). Regulatory impact assessment and regulatory governance in developing countries. *Public Administration and Development: The International Journal of Management Research and Practice*, 24(4), 333-344.
- Kirkpatrick, C., Parker, D., & Zhang, Y. F. (2004). Regulatory impact assessment in developing and transition economies: a survey of current practice. *Public Money & Management*, 24(5), 291-296.
- Kurniawan, T., Muslim, M. A., & Sakapurnama, E. (2018). Regulatory impact assessment and its challenges: An empirical analysis from Indonesia. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 39(1), 105-108.
- Lohani, B. N., Evans, J. W., Everitt, R. R., Ludwig, H., Carpenter, R. A., & Tu, S. L. (1997). *Environmental impact assessment for developing countries in Asia: Volume 1-overview*.
- Morgenstern, R. D. (2014). *Economic analyses at EPA: assessing regulatory impact*. Routledge.

- Nakaizumi, T. (2022). *Impact assessment for developing countries: A guide for government officials and public servants*. Springer Nature.
- OECD, P. (1997). *Regulatory impact analysis: best practices in OECD countries*.
- OECD. (2009). *Regulatory Impact Analysis: a tool for policy coherence*. OECD Publishing.
- Orbach, B. (2015). A State of Inaction: Regulatory preferences, rent, and income inequality. *Theoretical Inquiries in Law*, 16(1), 45-68.
- Petak, Z. (2015). Evidence-based policy making and the implementation of regulatory impact assessment in Croatia. *Management and Business Administration. Central Europe*, (2), 147-162.
- Robinson, L. A., & Nriagu, J. (2008). Assessing regulatory costs and benefits. *Prepared for: Nriagu, J.(ed.). Encyclopedia of Environmental Health*.
- Rodrigo, D. (2005). Regulatory impact analysis in OECD countries. *Challenges for developing countries. Dhaka, Bangladesh*.
- Śliwa, R. (2022). Regulatory impact assessment–retrospect preview, purpose, consequences. *Toward e-RIA*.
- Smith, B. W. (2015). Regulation and the risk of inaction. *Autonomes Fahren: Technische, rechtliche und gesellschaftliche Aspekte*, 593-609.
- Staronova, K. (2016). Regulatory impact assessment in Slovakia: performance and procedural reform. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 34(3), 214-227.
- Steenenbergh, B. (1992). Congress, the Bureaucracy, and Regulatory Policy-Making. *Journal of Law, Economics, and Organization* 8(3): 673–94.
- Tombs, S. (2015). Regulatory inaction? Regulation without enforcement. In *social protection after the crisis* (pp. 137-180). Policy Press.